

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته (جوانان و والدین آن‌ها) در شهرستان یزد

محمدحسین پوریانی^۱، سید علی محمداسلامی طرزجانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۷/۱۵

تاریخ تصویب: ۹۲/۱۲/۱

چکیده

یکی از عمده‌ترین مسأله جهانی در کشور ما پدیده شکاف نسلی است که هر نسل نسبت به نسل پیش از خود تفاوت‌هایی دارد. گاهی این تفاوت‌های فرهنگی، فکری و رفتاری به سطحی می‌رسد که نوعی نا هم‌زبانی و جدایی ایجاد می‌کند. این موضوع چالشی، محصول تغییرات سریع اجتماعی و واقعیتی انکار ناپذیر است برای آن که جامعه قابل زندگی باشد باید ارزش‌ها و اعتقادات دینی آن جامعه حفظ گردد و با هر نوع کجروی اجتماعی که این ارزش‌ها و اعتقادات را تهدید می‌کند مبارزه شود و در این راه پیش‌گیری به مراتب مهم‌تر از درمان و بهتر از مداواست. به منظور پیش‌گیری از شکاف نسلی بین والدین و فرزندان می‌باید علل و عوامل مؤثر بر آن شناخته شود و عوامل موجود مشخص گردد چرا که تنها با شناسایی این عوامل است که می‌توان قدم‌هایی در جهت پیش‌گیری و درمان آن برداشت. این تحقیق با هدف بررسی مقایسه‌ای تحولات ارزشی و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته (جوانان و والدین آن‌ها) در شهرستان یزد با حجم نمونه ۴۰۰ نفر (۲۰۰ جوانان و ۲۰۰ والدین) و به منظور جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی که اعتبار و روایی آن‌ها طی تحقیقات متعددی تأیید و هم‌چنین در این پژوهش نیز بر روی ۳۰ نفر مورد آزمون قرار گرفته و تأیید شده است بر روی حجم نمونه اجرا گردید و داده‌های حاصل جمع‌بندی و پس از ترسیم جدول ماتریس با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و برای آزمون فرضیات تحقیق نیز از محاسبات میانگین، انحراف معیار و آزمونی (t) استفاده شده است.

واژگان کلیدی: جوانان، بزرگسالان، شکاف نسلی، جهت‌گیری مذهبی، گرایش به ارزش‌های دینی،

گریز از ارزش‌های دینی.

^۱ - استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، ایران. E-mail:mhpouryani@yahoo.com

^۲ - دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، ایران.

مقدمه

دین همراه دیرینه و همیشگی انسان در برهه‌های مختلف تاریخ بوده و خواهد بود و هیچ جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که در آن از دین خبری نباشد چرا که بشر در طول تاریخ و در سراسر عالم دینی بوده است و هیچ فرد و اجتماعی را نمی‌توان یافت که حیاتی فاقد از تجربه و باورهای دینی را سپری کرده باشد (کینگ، ۱۳۵۵: ۱۲۳).

حضور فراگیر دین - در طول تاریخ و در پهنای جغرافیا - باعث گردیده که بسیاری از دین‌شناسان و دین‌باوران بر فطری بودن آن تأکید کرده و اذعان نمایند که نهاد بشر با دین سرشته است (شجاعی زنده، ۱۳۷۶: ۹).

در کوچک‌ترین رفتار انسان جلوه‌هایی از بایدها و نبایدها ارزشی مشاهده می‌شود به این دلیل است که سرتاسر تاریخ زندگی بشر عرصه دفاع از باورها و ارزش‌هایی است که نه تنها به روح آدمی عجین شده بلکه در شیوه رفتار و عملکرد آنان نیز نمود یافته است و باعث شکل‌گیری خرده فرهنگ دینی شده است انسان‌ها با قرار گرفتن در خرده فرهنگ‌های دینی دارای دانش، گرایش، باور، تجربه، حس و رفتارهای دینی، از موضوعاتی است که حساسیت مضاعفی برخوردار است علاوه بر خرده فرهنگ دینی، پدیده مهمی نیز در تمامی جوامع به نام تفکیک اجتماعی دیده می‌شود یعنی در همه جوامع انسانی، افراد از لحاظ حرفه، منزلت، نفوذ، حیثیت، قدرت، عادت و خصیصه‌های فرهنگی (ایستارها، ارزش‌ها، باورها، اعتقادات و غیره) با یکدیگر تفاوت دارند.

به همین منظور زندگی بشر از یک رشته انتخاب‌ها تشکیل شده است که افراد از طریق آن‌ها نظامی از ارزش‌ها را بر پا می‌کنند و ذات ارزش عبارت است از انتخاب و تصدیق آزادانه (آرون، ۱۳۷۷: ۲۳۵).

در جامعه ما نیز با توجه به وقوع انقلاب اسلامی و تغییرات ارزشی جامعه در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و هم‌چنین با توجه به وقوع انقلاب و تغییرات ارزشی جامعه بعد از انقلاب که سبب آشنایی بیشتر افراد خصوصاً جوانان از ارزش‌ها و هنجارهای جوامع دیگر شده است بنابراین در تحقیق حاضر تلاش می‌کنیم تا به اقتضای شرایط و محدودیت‌ها، به بررسی ساختار اولویت‌های ارزشی جامعه آماری مورد مطالعه بپردازیم و بفهمیم که ارزش‌های جامعه آماری مورد مطالعه (شهر یزد) را بیش‌تر ارزش‌های سنتی تشکیل می‌دهند یا ارزش‌های جدید و عوامل مؤثر بر این ساختارها اجتماعی چیست؟

پایبندی به ارزش‌ها و هنجارها در هر جامعه‌ای از لوازم اساسی انسجام و سلامت اجتماعی دین به عنوان یک نماد اجتماعی مشتمل بر ارزش‌ها و هنجارها یا به بیان دیگر، باور داشت‌ها و مناسکی است که یادگیری و پایبندی افراد جامعه به آن درگه و فراهم نمودن زمینه‌های لازم به منظور تقویت میزان دین‌گرایی آن‌ها می‌باشد.

بیان مسأله

کم و کیف ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای نسل جدید جامعه ایرانی و رابطه نسل‌ها با یکدیگر یکی از سؤال‌های اساسی جامعه ما محسوب می‌شود. جامعه ما که در حال گذار از سنتی به صنعتی است، تغییر در نظام ارزشی در شرایط گذر خود را بیشتر متجلی می‌سازد در جامعه جدید بسیاری از کارکردهای پیشین خانواده، ماهیتشان تغییر کرده است در روابط خانوادگی همانند روابط والدین و جوانان نیز تحت شرایط جدید تغییر کرده است تغییرات ظاهر شده در نهاد خانواده تا جایی که به ارتباط فرزندان با والدین و نقش اهمیت بزرگسالان خانواده مربوط می‌گردد و باعث مشکلاتی و تناقض‌هایی در این نهاد شده است یعنی با تغییرات به وجود آمده هم چون انتقال هنجارها، ارزش‌های فرهنگی و مجموعه جهت‌گیری فرزندان تحت عنوان آموزش آنان با کاستی‌ها و مشکلاتی مواجه گردیده است تأثیر وسایل ارتباط جمعی، باز شدن جامعه‌ها، تمامی این روندها بر تأثیرپذیری جوانان در خانواده مؤثر است در شرایط کنونی با مدرنیته شدن و باز شدن جامعه‌ها، یک نوع شکاف ارزشی و تحولاتی بین نسل‌ها و در جامعه‌های مختلف و در درون خانواده پدیدار گردیده است که از آن به شکاف نسل‌ها تعبیر گردیده است در جامعه‌های سنتی هم در نهاد خانواده و هم در نهاد سیاسی یک دستی ویژه‌ای دیده می‌شود اما هنگامی که جامعه در مسیر تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفت باید منتظر پدیده شکاف ارزشی شد در این حالت تضاد ارزشی بین والدین و فرزندان جوان هر لحظه بیشتر شده و طرفین کمتر قادر به درک یکدیگر هستند، نبود دریافت راستی‌ها توسط دو سوء افراطی‌گری‌ها و واکنش‌های تندی را به دنبال دارد در اثر دوگانگی ارزش ایجاد شده بین جوانان و والدین قدرت تصمیم‌گیری و شناخت واقعیت در جوانان ضعیف شده و آن‌ها دچار تعارضات ارزشی، افسردگی و اضطراب می‌شوند بعضی از علل اساسی تفاوت در نسل‌ها، نحوه تربیت و اجتماعی شدن فرزندان است که بررسی شکاف نسل‌ها در جامعه کمتر به آن‌ها پرداخته شده است و سؤال اصلی این تحقیق این است که: تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی در بین

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

نسل گذشته و نسل امروز (والدین و جوانان آن‌ها) در شهرستان یزد چگونه است؟ و چه تفاوت‌هایی با هم دارند؟ در این تحقیق هدف مطالعه تحولات ارزش‌های دینی در بین جوانان و والدین آن‌ها در شهر یزد است که به علت تغییراتی که در ساختار شهر یزد در این چند دهه گذشته به وجود آمده است، بررسی می‌کند متغیر وابسته ما تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی نسل جوان است و متغیرهای مستقل را می‌توان خانواده، مدرنیته، رسانه‌های ارتباط جمعی، شهرنشینی، محیط و... نام برد.

اهمیت موضوع و ضرورت تحقیق

دین بخش قابل توجهی از فرهنگ جامعه اسلامی ما را پوشش می‌دهد یعنی پرتو دین نه تنها بر اندیشه و احساس و رفتارها، مثل آداب و رسوم مختلف، آیین‌های اجتماعی، جنبش‌های ملی نیز مشهود بوده است و نمی‌توان تأثیر ارزش‌ها و باورهای دینی را در این زمینه انکار نمود. جامعه ایران از نظر ساخت جمعیتی، جوان است و به همین دلیل نقش نیروی انسانی متخصص و کارآمد در فرآیند توسعه مؤثر است و از طرفی گسترش زندگی شهری و صنعتی و رشد جمعیت زمینه را برای پیدایش مسائل اجتماعی فراهم کرده است و از آن جا که تغییرات و تحولاتی در ارزش و باورهای دین دستاورد تحولات سریع اجتماعی است و با گسترش آموزه‌های جدید و دگرگونی‌های شتابان جامعه‌های در حال توسعه مانند ایران بروز چنین پدیده‌های نسلی به وجود می‌آید. بنابراین نیاز نسل امروز، همان نیاز نسل گذشته نیست اقبال او به ارزش‌های دین همانند ارزش‌های دینی نسل گذشته نیست و این یعنی دگرگونی‌هایی در ارزش‌های جوانان از مدل مو و نوع پوشش و ... تا سرگرمی‌های اجتماعی و اعتقادی با ارزش‌های والدین خود می‌باشد. والدین می‌خواهند تجربیات خود را به فرزندان بقبولانند و این مهم‌ترین استدلال آن‌ها در رفتار با جوانان است در حالی که دنیا عوض شده است هدف از انجام این پژوهش شناسایی مقایسه‌ای علل تفاوت در ارزش‌های دینی والدین با جوانان است و اینکه تا چه اندازه این تفاوت یا قبولی شکاف عمیق است و متوجه نمودن مسؤولین به این امر مهم که با ارائه راهکارهای مناسب بتوانند از آسیب‌های اجتماعی این پدیده بکاهند.

نکته قابل توجه در این میان، مسأله کاربرد این پژوهش می‌باشد، چنان که می‌دانیم بر روی کاهش فاصله بین نسل‌ها و همگون کردن آنان در جهت رفع تعارضات و درگیری‌های اجتماعی و کاهش تفاوت‌های بین نسلی انجام شده است از آنجا که موضوع شکاف نسلی از مسایل مورد علاقه

روشنفکران و اهل قلم در همه کشورهاست در شرایط کنونی جامعه ایران نیز این موضوع از ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و ... حایز اهمیت است؛ لذا سعی می‌شود از نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر در سازمان ملی جوانان، مجلس شورای اسلامی، کتابخانه‌ها، استانداری، دانشگاه، آموزش و پرورش، خانواده‌ها و... به منظور از بین بردن بحران و تنش‌ها که این موضوع در پی دارد استفاده شود مطالعه این پژوهش بیشتر مورد توجه نسل جوان و والدین آن‌ها می‌باشد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی

هدف اصلی از انجام تحقیق بررسی و شناخت از تفاوت تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته (جوانان و والدین آن‌ها) در شهرستان یزد می‌باشد.

اهداف فرعی

- در راستای هدف اصلی فوق برخی از مهم‌ترین اهداف جزئی (ویژه) تحقیق عبارتند از:
۱. شناخت رابطه میزان و تفاوت گرایش به ارزش‌های دینی در بین جوانان و والدین آن‌ها.
 ۲. بررسی رابطه میزان و تفاوت گریز از ارزش‌های دینی در بین جوانان و والدین آن‌ها.
 ۳. مقایسه رابطه تحصیلات با جهت‌گیری‌های مذهبی در دو گروه از جوانان و والدین آن‌ها.
 ۴. مطالعه رابطه نقش پایگاه اجتماعی با جهت‌گیری‌های مذهبی در دو گروه از جوانان و والدین آن‌ها.

پیشینه تحقیق

در این قسمت، بر اساس مطالعه تحقیقات صورت گرفته و مقالات نوشته شده در خصوص موضوع تحقیق، به خلاصه و چکیده تحقیقات صورت گرفته اقدام گردیده است:

تحقیقات در خارج از کشور

در طی دهه ۱۹۶۰ تا ۱۹۷۰ پژوهشگران علوم اجتماعی به پدیده‌ای به نام شکاف نسل‌ها علاقه‌مند شدند، نوعی تمرد (طغیان) نوجوانان علیه والدین که اختلاف قابل ملاحظه‌ای به وجود می‌آورد.

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

برخی پژوهش‌گران به اختلافات عمیق بین نسل‌ها اعتقاد داشتند و برخی اختلافات نگرشی بین والدین و فرزندان نوجوانشان را خیلی کم دانسته و یا اصلاً اختلافی گزارش نکرده‌اند. پژوهش‌گران عوامل متعددی را در بروز این اختلافات مؤثر دانستند که از آن جمله به اختلافات نگرش‌ها و میزان توافق والد - فرزند در مباحث دینی اشاره کرده‌اند.

هانزبرگر (۱۹۸۵) مطالب فوق را تأیید کرد و به طور کلی نشان داد که همسانی عقاید دینی در بین فرزندان با مادران ۴۳٪ و با پدران ۴۸٪ بوده و هرچه کیفیت روابط والد- فرزند بهتر باشد توافق در مباحث دینی بیشتر و انتقال و آموزش ارزش‌های دینی بهتر انجام می‌شود.

در همین زمینه مطالعات متعدد، نتایج مشابهی را نشان می‌دهد و این طور گزارش می‌شود که میزان تشابه اعتقادات دینی در والدین و فرزندان به نوع ارتباط والد- فرزند برمی‌گردد و هرچه نزدیکی این ارتباط قوی‌تر باشد، پذیرش آموزش‌ها و اعتقادات دینی فرزندان و مقدار یکسانی آن با اعتقادات والدین بیشتر است. بنابراین اگر والدین نقش با اهمیتی در نحوه تحوّل و تربیت دینی فرزندان ایفا نمایند، بین دین‌داری آن‌ها با نوع رابطه با فرزندانشان رابطه‌ای وجود داشته است. هانزبرگر در گزارش خود نتیجه گرفت که والدین بهترین پیش‌بینی‌کننده نگرش‌های دینی فرزندانشان هستند. محققان همه نتیجه می‌گیرند که اگرچه عوامل بسیاری مانند والدین، مدارس، مؤسسات دینی، کتاب‌ها و... به طور بالقوه در دین‌داری و جامعه‌پذیری دینی فرزندان اثر می‌گذارند، اما والدین با اهمیت‌ترین عامل اولیه در تربیت دینی فرزندان هستند.

مک کوبی (۱۹۹۲) نیز اعتقاد دارد، با این که والدین تنها افرادی نیستند که در اجتماعی کردن فرزندانشان نقش دارند، اما همواره خانواده به عنوان اصلی‌ترین عامل در نظر گرفته شده است و در این حیطة، جنبه‌های عاطفی رابطه والدین و فرزندان بیشترین اهمیت را دارد.

پژوهش‌گران اعتقاد دارند که تأثیر والدین بر تربیت فرزندان نه تنها از طریق خصوصیات موقعیتی آن‌هاست بلکه از طریق انتقال ارزش‌ها و نیز فراهم آوردن یک محیط اجتماعی هدایت‌کننده است و البته حمایت والدین مهم‌ترین عامل برای نیل به کمال تربیتی است.

تحقیقات در داخل کشور

سیدحسین نبوی (۱۳۸۰) در تحقیقی در خصوص احساس شکاف نسلی: بررسی شواهد پیوستگی و گسستگی نسلی بر روی شهروندان تهرانی در چهار گروه پدران، مادران، پسران، دختران نشان داده است،

هر دو نسل (والدین و فرزندان) غالباً اظهار می‌دارند که اختلاف نظر آن با والدین یا فرزندان هم جنس خود در زمینه فرهنگی، فیلم، نوع لباس و آراستگی ظاهر، کمک به نیازمندان (بعد اجتماعی)، رعایت حلال و حرام در زندگی و عمل واجبات با هم دیگر کم و بسیار کم است.

تقی آزاد ارمکی (۱۳۸۰) نیز با کار شکاف بین نسلی در شهر تهران سعی کرده است توافق یا تعارض و رابطه بین نسل‌ها را شناسائی کند. نتایج این مطالعه مشخص نموده است که جامعه ایرانی با تفاوت نسلی رو به رو شده است و جوانان به عنوان یک گروه اجتماعی جدید از لحاظ نحوه گذران اوقات فراغت، دوست یابی و علایق با بزرگسالان متفاوتاند.

زهرا پازوکی‌نژاد و مریم علیجان‌زاده (۱۳۸۴) با تحقیق بر روی دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان و پیش دانشگاهی شهر بابل با بررسی تضاد ارزشی بین مادران و دختران شهر بابل به این نتیجه رسیده‌اند که تضاد و تعارض و یا به عبارتی شکاف بین نسل‌ها سبب اختلاف نظر و کشمکش‌هایی را بین نسل جوان و والدین آن‌ها به همراه داشته است.

سعید معیدفر (۱۳۸۳) در تحقیقی به بررسی شکاف نسلی در ایران تحت عنوان شکاف نسلی یا گسست فرهنگی نشان داده است که در هر سه حوزه‌ی ارزش‌های دینی، سیاسی و اجتماعی، در برخی زمینه‌ها تفاوت زیادی در میان جوانان و بزرگسالان مشاهده نمی‌شود ولی در برخی زمینه‌ها تفاوت زیادی در میان جوانان و بزرگسالان دیده می‌شود و در طی زمان حتی بیش ترهم می‌شود. محقق به این نتیجه رسیده است که تفاوت‌ها نشان از نوعی گسست فرهنگی است و نه شکاف نسلی. یکی از عوامل تفاوت زیاد بین جوانان و بزرگسالان، در نگرش بدبینانه نسبت به جامعه که موجب اختلال در روند استقلال جوانان و به تأخیر افتادن استقلال آن‌ها از خانواده پدری برای بر عهده گرفتن مسؤولیت‌های اجتماعی و نیز افزایش میزان آگاهی‌های اجتماعی آنان از جامعه ملی و جهانی شده است، می‌باشد. این تحقیق بر تفاوت نسلی تأکید دارد نه تعارض نسلی.

مبانی نظری تحقیق

تفاوت در نظام ارزشی والدین و فرزندان جوانشان که به نوعی شکاف نسلی را آشکار می‌سازد مسأله‌ی مشترک جهان معاصر به ویژه جوامعی مانند کشور ما ایران است که به سرعت تحول می‌یابد. «از مظاهر مهم این شکاف، تغییر موقعیت اجتماعی نسل جوان معاصر به شکلی بی‌سابقه است. کاهش

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

روز افزون تأثیر سنت، میراث و اقتدار جامعه‌ی بزرگ‌سالی بر نسل‌های جوان‌تر در اثر افزایش آگاهی، مهارت و توانایی نسل جدید در مواجهه با زندگی و جهان جدید در مقابل ناتوانی و مهارت نداشتن نسل‌های سالمند و ناکارآمدی نهادهای سنتی نظیر خانواده، نظام آموزشی و نهادهای فرهنگی دیگر در انطباق خود با تحولات پرشتاب و پیچیده‌ی عصر جدید از وجوه مهم تغییر موقعیت نسل‌های جوان معاصر به شمار می‌روند.» (توکل و قاضی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۹۷، ۹۶).

شکاف نسلی

شکاف نسلی به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری ما بین دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میان سال با وجود این که در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند شکاف نسلی هنگامی محقق می‌شود که واحدهای نسلی شکل بگیرد کارل مانهایم نیروی جدیدی را که دارای موقعیت‌ها مثل دانش، گرایش و رفتار معطوف به دو گروه سنی جوان و پیر منجر به شکاف نسلی می‌شود اما باید دانست که شکاف نسلی با کشمکش نسلی تفاوت دارد زیرا در مورد شکاف نسلی واحدهای نسلی به رغم تجربیات متفاوت، در کلیت فرهنگی اجتماعی به تعامل می‌پردازند در صورتی که کشمکش نسلی به موقعیتی اطلاق می‌شود که بین دو موقعیت متفاوت نسلی بر سر ارزش‌ها به جای تعامل تعارض به وجود می‌آید (آزاد/رمکی، ۱۳۸۰: ۸۰).

خانواده و شکاف نسل‌ها

بسیاری بر این باورند که در دنیای امروز نهاد خانواده تضعیف شده است و حتی چیزی از آن بر جای نیست این عده معمولاً در چارچوب جامعه جدید به خانواده نگاه نمی‌کنند بلکه الگوهای جامعه سنتی را برای سنجش کارهای نهاد خانواده معیار خود قرار می‌دهند این در حالی است که در جامعه جدید، هنجارهای مدرن، هنجارهای درونی شده و مشارکت فعال خانواده معیار خود قرار می‌دهند این در حالی است که در جامعه مدرن، هنجارها درونی شده و مشارکت فعال خانواده برانگیخته می‌شود البته در این که خانواده از جهاتی کارکردهای خود را از دست داد موجه عبارتی دولتی شده تردیدی نیست امروزه دولت در جوامع جدید و شبه مدرن از طریق قوانین یا ایجاد الگوهای جدید خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد رسانه‌های جدید هر روز در قلب خانه کار می‌کنند و ارزش‌های تازه‌ای را ایجاد می‌کنند. بنابراین

بسیاری، خانواده را در معرض تهی شدن می‌بینند چرا که در خانواده‌های جدید حتی ناهار و صبحانه بیرون منزل خورده می‌شود و بسیاری از کارکردها را دولت و سازمان‌های دیگر عهده می‌گیرند. (توسلی، ۱۳۸۰: ۱۴۸).

شهر نشینی و شکاف نسل‌ها

در نقاط شهری به علت پیچیدگی اجتماعی، اقتصادی و قشرهای مختلف مجبورند با سرعت بیش از حد در فعالیت‌های مختلف اشتغال داشته باشد چنین جریانی بر نظام ارزشی - نظام روانی و عصبی افراد تأثیر می‌گذارد و این عامل باعث می‌شود خستگی حاصل از فعالیت روزانه والدین با کاهش مثبت‌ها و نزدیکی‌های بیش‌تر والدین به فرزندان منجر گردد و لذا این عامل سبب می‌شود فرزندان روز به روز پدر و مادر خود فاصله بگیرند تعارض فرهنگی نسل جوان با سنت‌های موجود و به عبارت دیگر برخورد دنیای قدیم و جدید است که موجب کشمکش و سرگردانی‌های فراوان در نسل جوان شده است در این دوره، انتقالی گروه‌هایی از جوانان چه از نظر تحصیل و شغل و چه از نظر مدل و الگوهای رفتار و کردار دچار سرگردانی هستند و حتی با یک نوع بحران روانی و اجتماعی روبرو هستند.

وسایل ارتباط جمعی و شکاف نسل‌ها

اثر رسانه‌ها بر رفتار انسان مهم‌ترین زمینه مطالعاتی در پژوهش‌های ارتباطی محسوب می‌شود در سال‌های اخیر نیز فرهنگ پذیری، به عنوان یکی از مهم‌ترین اثرهای رسانه‌ها مورد توجه جدی محققان قرار گرفته در جامعه جدید تأثیر وسایل ارتباط جمعی بیش‌تر خود را نمایان ساخته چرا که وسایل، وسایل ارتباط جمعی با خود ارزش‌ها و هنجارهای جدیدی را آورده و افراد و به خصوص نسل نو را تحت تأثیر قرار داده. بنابراین یکی دیگر از عوامل موثر بر پدیده شکاف نسل‌ها، رسانه‌های جمعی می‌باشند در مورد تأثیر رسانه‌های جمعی بر جوامع و افراد پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است بسیاری از اندیش‌مندان اجتماعی مشخصه بارز عصر حاضر را حضور رسانه‌ها توسط آن‌ها بر افکار انسان‌ها دانسته‌اند.

هر کدام از اندیش‌مندان جامعه جدید و در حال شکل‌گیری را با توجه به تأثیر وسایل ارتباط جمعی با نام‌ها و القاب مختلفی مشخص نموده‌اند عصر ارتباط، عصر رسانه‌ها، موج سوم و ... از جمله القابی است که به جامعه جدید از مقوله مهمی یاد می‌کند که ورود سر زده رویدادهای دور دست به دنیای ذهنی و فکری مردم می‌باشد این ورود سر زده عمدتاً از طریق رسانه‌های جمعی و شبکه‌های ارتباطی

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

سامان می‌گیرد و از آن جا که جوانان و دانشجویان بیشترین مصرف کنندگان محصولات فرهنگی و بهره‌گیرندگان از رسانه‌ها هستند لذا گسترده‌ترین تأثیرها را از آن‌ها می‌پذیرند (بیرو، ۱۳۶۷: ۲۰۰).

مسئله شکاف نسل‌ها در ایران

مفهوم شکاف یا تفاوت نسلی نیز در زمره‌ی همین مقوله‌ی تمایزات و تفاوت‌های تجربی و پایدار میان دو جریان، دو رفتار و... معنا می‌شود. تمایزات و تفاوت‌هایی که به شکل دوئالیستیکی اولاً در تقابل‌های سیاسی اجتماعی بروز پیدا می‌کند، و دیگر اینکه در یک ساختار اجتماعی، فرهنگی و تاریخی خاصی خود را نمایان می‌سازند. (شکاف سنت و مدرنیسم، شکاف نسلی، شکاف طبقاتی و...) در توضیح ویژگی این تمایزات اینکه، واحدهای نسلی به رغم تجربیات متفاوت و حتی متضاد با هم، در یک کلیت فرهنگی اجتماعی خاص و با پیوستگی‌های کلان به یک ساختار مشخص به تعامل (توافق یا تعارض) با یکدیگر می‌پردازند. خانواده‌ها به عنوان گرانی‌گاه این تضادها و تفاوت‌ها بارزترین صحنه‌ی جدال بین فهم نسل گذشته (پدر و مادر) و فهم نسل جدید (فرزندان) از زندگی هستند. عرصه‌ی جدال فوق، حوزه‌ی تعاملی دو نسل را نیز شامل می‌شود، به این معنا که تعامل درونی خانواده‌ها در شکل جدید، تعاملی همراه با تضاد و کشمکش است؛ برخلاف گذشته که ارتباطات، یکسره فرمانبردارانه بود.

موج مدرنیزاسیون که به همراه خود آموزش همگانی، گسترش رسانه‌های جمعی و بسیاری موارد دیگر را به همراه آورد، موجب افزایش دانستگی‌ها و آگاهی‌های عمومی نسل جدید شد، و حوزه‌ی ارتباطات انسانی و اجتماعی آن‌ها را وسیع‌تر نمود. طبیعی‌ترین نتیجه‌ی این فرایند این بود که نسل جدید، نسلی شد که اولاً بسیار با شتاب اجتماعی می‌گردید، و ثانیاً در راه اجتماعی شدن، تنها منبع ارزش‌گذار او دیگر خانواده و سنت حاکم بر خانواده نبود. زیست جهان متفاوت نسل نو یا به تعبیر مانهایم تجربیات دگرگون آنان، که به سبب تحولات صنعتی و سپس اجتماعی فرهنگی به وجود آمد، بین جهان بینی نسل جدید و نسل قدیم شکاف انداخت؛ و از این مهم‌تر، امکان ظهور و بروز این شکاف را در زبان و رفتار گروه جدید، فراهم ساخت.

هرچند که در میان نسل‌های گذشته، حوزه‌ی تفاوت در دیدگاه‌ها کم و سعت تر بود، اما همان اندک تفاوت‌ها در نظام پدرسالار خانواده و ایلگارش‌ی حاکمیت، پنهان و سرپسته باقی می‌مانده، و موجبات شکاف نسلی را پدید نمی‌آورده است، زیرا که تمایزها و تقابل‌ها، همان گونه که گفته شد، موقعی به وجود

آورنده‌ی شکاف اجتماعی می‌شوند که در بستر اجتماعی فرهنگی جامعه بروز پیدا کنند؛ و آن‌ها غالباً بروز پیدا نمی‌کردند.

در جوامع عقب افتاده و غیر مدرن امروزی، با وجود پایداری و جوهی از روابط پدرسالارانه در خانواده و دولت، موج قدرتمند رسانه‌های جمعی و بالأخص اینترنت و ماهواره که ساختاری غیرقابل کنترل دارد و هم چنین رشد علوم و تکنولوژی جدید، نسل نو این جوامع را تبدیل به تماشاگران فنون جدید و زندگی جدید دیگران از طریق وسایل ارتباط جمعی کرده و باعث نارضایتی‌های فراوان از شرایط خویش، در میان آنان شده است. چیرگی قابل ملاحظه‌ی تعداد افراد این نسل نسبت به نسل گذشته نیز، امکان شکاف و تعارض نسلی را در این جوامع در مقایسه با کشورهای جدید تسهیل کرده است. (جوامع غیر مدرن غالباً جوامعی هستند با ساختار جمعیتی جوان و نوجوان).

شکاف نسلی به عنوان یک مسأله‌ی اجتماعی

حافظه‌ی تاریخی جوامع مدعی است که مهم‌ترین زمینه‌ی ذهنی طرح مسائل اجتماعی، بالا رفتن سطح انتظارات و توقعات عمومی به سبب تحولات اجتماعی و نسبی شدن ارزش‌ها و هنجارهای گذشته است؛ و بی شک برجسته‌ترین بستر زایش این تحولات (مسائل اجتماعی) یعنی افزایش سطح انتظارات و توقعات، و هم چنین تقدس زدایی از ارزش‌ها و هنجارهای گذشتگان، تغییر نسلی می‌باشد. این، سرآغاز سست شدن سنت‌هاست.

مسأله یا بحران اجتماعی، برخلاف آسیب‌های اجتماعی، زاییده‌ی جوامع جدید است. تحولات معرفتی و تغییر ذهنیت آدمیان از جهان متافیزیک به جهان مادی (بعد از رنسانس) توجه انسان‌ها را از آسمان به محیط پیرامونی و «خود» معطوف ساخت. در عین حال فارغ شدن ذهنیت انسان از دین و جهان بینی الهی، او را در جهان تنها و مستقل (به تعبیر کانت خود بنیاد) ساخت که حال می‌باید تنها با کمک عقل و فهم خود ابتدا مطلوب را تفهم، و سپس جهان را در خدمت آن چیزی که مطلوب می‌پندارد بسازد (بزرگیان، ۱۳۷۲: ۱۷).

این تحول اساسی در شناخت، بی شک از مهم‌ترین زمینه‌های ایجاد تعارض ذهنی میان افراد و برهم خوردن یکپارچگی و انسجام جامعه و طرح مسأله‌ی اجتماعی بوده است.

تفاوت فرهنگی میان انسان‌ها در مجموعه‌ی یک شهر (با توجه به اینکه از مکان‌ها و سرزمین‌های مختلفی گرد هم آمده بودند) در عینی‌ترین تأثیر، به ایجاد نسبیت ارزشی و فرهنگی، و هم چنین سست

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

شدن عقاید و ارزش‌های مطلق انجامید. گسست ارزشی فوق، با خارج ساختن جامعه از نوعی همبستگی مکانیکی، موجبات تعدد و تکثر عینی مسائل و مشکلات اجتماعی را فراهم آورد، زیرا تفاوت عمده میان پارادایم‌های فکری و تقابل و تعارض منافع، به تضاد میان افراد و گروه‌ها منجر شده، و همبستگی اجتماعی را تضعیف ساخته و مسأله‌ی اجتماعی متولد می‌شود. هم‌چنین افزایش جمعیت در شهرها، فرد را در انبوه بی‌شمار جمعیت هضم کرده، و با تقلیل نیروی کنترل اجتماعی، به ایجاد بستر بروز و شیوع ناهنجاری‌ها یاری می‌رساند. این کاهش نظارت عمومی، باعث حذف و تخفیف برخورد با بسیاری از جرایمی که قبلاً به شدت با آن برخورد می‌شد گردید. از دیگر سو سرایت اهمال در ارکان وجدان عمومی (کنترل اجتماعی) به تمامی موجودیت جامعه، موجبات ضعف همبستگی و توسعه‌ی نابسامانی‌های اجتماعی را فراهم ساخته و بحران یا مسأله اجتماعی را باعث می‌شود.

مسأله اجتماعی به معنای برهم خوردن تعادل در یک نظام اجتماعی و یا شکل‌گیری نبودن یکپارچگی به سبب تغییرات ناگهانی، در دیدگاه مردم شناختی کارکردگرایانه (فونکسیونالیستی) وجود پیدا نمی‌کند. در این دیدگاه، هر آنچه که هست، آسیب اجتماعی است.

آسیب اجتماعی نوعی رفتار انحرافی است که برای گروه‌های خاصی از افراد جامعه به وجود می‌آید. این گروه، گروهی از جامعه می‌باشد که در عین حال که هم‌چون دیگر گروه‌ها مورد تبلیغ یکسان اهداف اجتماعی قرار می‌گیرد، اما امکان دسترسی هنجارمند به موقعیت مناسب برای او فراهم نیست.

به بیان دیگر، بستر ایجاد و نضج آسیب اجتماعی، شکاف طبقاتی در سازمان اجتماعی است. اما مسأله اجتماعی نوعی سوء یکپارچگی است که اکثر گروه‌های اجتماعی را در برمی‌گیرد. در این حال، بدنه‌ی جامعه از طریق شیوه‌های هنجارمند موجود در قانون (رسمی یا عرفی) نمی‌تواند به اهداف خود دست یابد. هنگام بروز مسأله‌ی اجتماعی، برخلاف آسیب‌های اجتماعی، تشویق جامعه متوجه رفتار غیر قانونی است.

دیدگاه‌های نظری

در مورد تفاوت‌ها و تشابهات نظام ارزش‌ها دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد بحث تفاوت در نظام ارزش‌ها که منجر به شکاف نسلی بین والدین و جوانان می‌گردد نیز دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد.

به اعتقاد آلن بیرو سه دیدگاه عمده در زمینه گسستگی نسلی وجود دارد در یک طرف، کسانی هستند که معتقد به مسأله شکاف عمیق هستند در آن طرف طیف، کسانی هستند که وجود شکاف عمیق را یک توهم و خیال می‌پندارند و معتقدند این موضوع توسط وسایل ارتباط جمعی و به غلط به مردم تحمیل شده است دیدگاه سوم که در نقطه وسط دو دیدگاه قبلی قرار دارد معتقد به پیوستگی و تفاضل‌گزینشی بین نسل‌هاست.

طرفداران دیدگاه اول (تئوری شکاف عمیق).

صاحب نظران این دیدگاه معتقدند که شکاف بین جوانان و بزرگ سالان نسبتاً شایع و گسترده است.

اینان فرهنگ جوانان را مختلف و حتی متضاد با فرهنگ مسلط بزرگسالان می‌دانند و از نظر نقطه نظر پذیرش ارزش‌های غالب و مسلط به عنوان مثال هربرت مید معتقد است که الگوی فرهنگی جدیدی ظاهر شده که در آن دیگر الگوی مدل جوانان، افراد معاصر هستند از این نظر، به افرادی که پیش از جنگ جهانی دوم متولد شده‌اند به عنوان مهاجرانی در زمان نگرینسته می‌شود کسانی که با یک زمان حاضر نا آشنا سازگاری می‌یابند ولی کماکان بقای گذشته را حفظ می‌کنند از سوی دیگر آن‌هایی که پس از جنگ جهانی دوم متولد شده‌اند زمان حاضر را می‌فهمند زیرا به غیر از آن چیز دیگر نمی‌شناسند در نهایت بین این دو گروه از لحاظ پذیرش ارزش‌ها و هنجارها، تضاد روی داده و بالا می‌گیرد.

طرفداران دیدگاه دوم (نبودن شکاف)

در آن سوی طیف، متفکرانه اجتماعی مانند آلن بیرو تأکید بر این دارد که ارزش‌های جوانان اختلاف شدیدی با بزرگ سالان ندارد. این متفکران مدعی هستند که در حالی ممکن است جوانان و بزرگ سالان دارای جدایی اجتماعی باشند ولی شکاف بین آن‌ها اساساً ارتباطی با قبول ارزش‌ها می‌باشد به عبارتی دیگر، در زمینه قابلیت کاربرد موقعیتش توصیه‌ای هنجاری برای تحقیق دادن به ارزش‌ها می‌باشد به بیان دیگر، تضاد نسل‌ها بیش‌تر مربوط به آن ابزار به کار گرفته شده برای تحقق دادن به ارزش‌های مورد قبول یکسان و مشابه می‌باشد نه مربوط به قبول ارزش‌های مختلف، در حالی که، تا حدودی برای این دیدگاه تأیید تجربی وجود دارد ولی هابز معتقد است که هنوز یافته‌های تحقیقات چندان قطعی نیستند.

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

طرفداران دیدگاه سوم (دیدگاه پیوستگی و تفاضل‌گزینی)

این دیدگاه معتقد است که تضاد اندکی بین نسل‌ها وجود دارد در عین حال، طرفداران این دیدگاه با آن فرضیه دیدگاه دوم یعنی این فرضیه که: (وجود شکاف یک توهم و خیال است) موفق بوده و معتقدند که ارزش‌های مورد قبول یکسان و مشابه می‌توانند در قالب الگوهای رفتاری مختلفی خود را نشان دهند - همان طور که آلن بیرو ذکر کرده - مشکل این دیدگاه در این است که دقیقاً مشخص نمی‌کند که این تفاوت‌ها کدام هستند چگونه این تفاوت‌ها به وجود می‌آیند و در آینده عواقب وجود چنین تفاوت‌هایی چه می‌تواند باشد (مهدی زاده، ۱۳۸۰: ۲۲).

چارچوب نظری تحقیق

صاحب نظر.	ایده.	تممیم ایده به موضوع تحقیق.	فرضیه تحقیق.
آنتونی گیدنز.	مدرنیته با دگرگون کردن در شرایط و چارچوب‌های سنتی هویت ساز شده است و موجب تضعیف و انحلال منابع سنتی ارزش‌ها و باورهای سنتی می‌شود.	بنابراین در شرایط مدرنیته و با توسعه تجدد و فرایند جهانی شدن به نسبه در همه جوامع تدریجاً منابع سنتی هویت ساز رو به اضمحلال شده موجب شکاف ارزشی بین جوانان و والدین آن‌ها شده است.	بین والدین و جوانان از نظر میزان ارزش‌های دینی تفاوت معناداری وجود دارد.
هانا آرنه.	مدرنیته عصر از دست رفتن سنت، مذهب، اقتدارات و عصر فقدان معنا، هویت، عمل و ارزش‌ها، عصر نابودی جهان مشترک حوزه عمومی، عصر سلطه عالم درونی و شخصی، عصر سلطه آمار، عصر سلطه رفتار بر عمل ... عصر برابری، نابودی آزادی بشر است.	بنابراین با ورود مدرنیته در ایران، باعث تغییر یا از بین رفتن سنت‌ها و تقلیل مذهب و کم‌رنگ شدن ارزش‌ها و باورهای دینی در بین نسل امروز و گذشته (جوانان و والدین آنها) شده است.	بین میزان گرایش و گریز به ارزش‌های دینی تفاوت معناداری وجود دارد.
تقی آزاد ارمکی.	مدرنیته ضمن اینکه یکی از کانون‌های اندیشه و عمل است ولی حیثیات آن در متن جامعه معنی پیدا می‌کند بدین لحاظ خانواده ضمن اینکه بر دیگر نهادها اثرگذار است از آن‌ها تأثیر می‌گیرد ولی آنچه قابل اشاره است دستخوش تغییر در ارزش‌ها و باورهای دینی است که از این عوامل می‌توان افزایش سطح تحصیلات	ورود مدرنیته در ایران نیز باعث تغییر در ساختار جامعه یعنی خانواده می‌توان شاهد افزایش سطح اعضای خانواده بین جوانان و والدین آن‌ها شده است که همین امر سبب بالا رفتن سطح آگاهی و بصیرت در بین نسل امروز (جوانان) و در نتیجه تغییر در باورها و ارزش‌ها سنتی می‌شود.	بین میزان تحصیلات و جهت‌گیری مذهبی تفاوت معناداری وجود دارد.

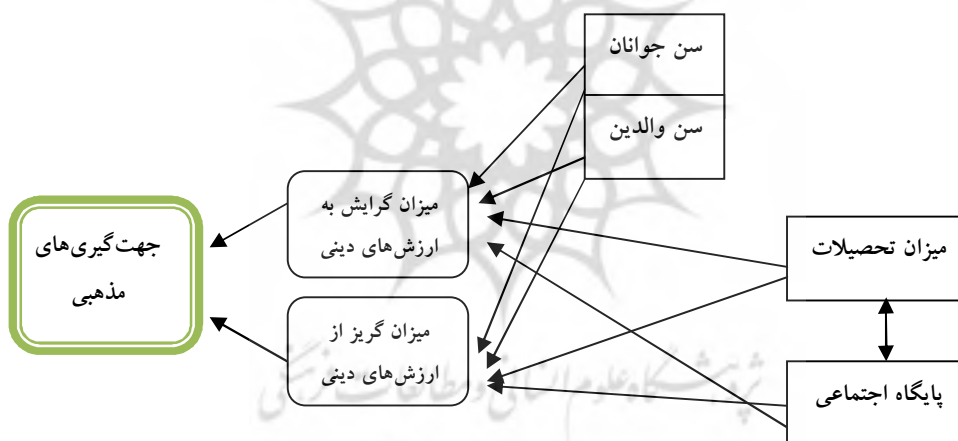
می‌باشد.

در توضیح و تعریف مفاهیم سنت و مدرنیته منظور از سنت فرآیندهای سنتی یا جامعه سنتی است که نظم اجتماعی است و بر اساس مشیت الهی شکل گرفته است و منظور از جدید، فرآیندهای تازه، نظم نو یا جامعه‌ی جدید است که نظمی اجتماعی است و انسان در مرکز آن قرار دارد این دو فرآیند هم اکنون درهم تنیده شده‌اند.

با ورود مدرنیته در جامعه ایران اعتقاد به ارزش‌ها و باورهای سنتی در بین نسل امروز (جوانان) نسبت به والدینشان کاهش یافته است.

ببین میزان گریز از ارزش‌های دینی در جوانان و والدین آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

مدل تحلیلی تحقیق



فرضیه‌های تحقیق

۱. بین میزان گرایش به ارزش‌های دینی در جوانان شهر یزد و والدین آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.
۲. بین میزان گریز از ارزش‌های دینی در جوانان شهر یزد و والدین آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

۳. بین تحصیلات و جهت‌گیری‌های مذهبی در دو گروه از جوانان شهر یزد و والدین آنها تفاوت معناداری وجود دارد.

۴. بین پایگاه اجتماعی و جهت‌گیری‌های مذهبی در دو گروه از جوانان شهر یزد و والدین آنها تفاوت معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

با توجه به این که ضروری است که این تحقیق به صورت مصاحبه مقدماتی و در نهایت جهت جمع‌آوری داده‌ها از طریق پرسشنامه‌ای انجام گیرد، بنابراین نوع روش تحقیق به صورت میدانی و پیمایشی خواهد بود.

بنابراین برای گردآوری داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای، میدانی و رجوع به نمونه‌هایی از جمعیت جامعه‌ی آماری و جمع‌آوری داده‌ها به صورت مکتوب و غیر مکتوب اقدام گردیده است؛ لذا ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق نخست به صورت مطالعه‌ی آزمایشی و سپس فیش نویسی از مطالب مربوط به موضوع تحقیق، کارت‌های مصاحبه و پرسشنامه و سپس تدوین جداول و آزمون جداول و در نهایت آزمون فرضیات تحقیق بوده است. همچنین برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و داده‌ها، از آمارهای توصیفی و استنباطی استفاده شده است که مهم‌ترین تکنیک‌های آماری مورد استفاده عبارتند از: همبستگی دو متغیری، همبستگی جزئی، رگرسیون دو متغیری و آزمون تفاوتی (T)، که کلیه‌ی روش‌های فوق از طریق نرم‌افزار SPSS انجام خواهد گرفت.

جمعیت آماری

با توجه به تعریف، یک جامعه‌ی آماری عبارت است از مجموعه‌ای از افراد یا واحدها که دارای حداقل یک صفت مشترک باشند (سرمد، ۱۳۸۳: ۱۷۷). تعریف جامعه‌ی آماری باید جامع و مانع باشد. یعنی این تعریف باید چنان بیان شود که از دیدگاه زمانی و مکانی همه‌ی واحدهای مورد مطالعه را در برگیرد و در ضمن، با توجه به آن، از شمول واحدهایی که نباید به مطالعه‌ی آنها پرداخته شود جلوگیری به عمل آید.

بنابراین جامعه آماری این پژوهش تشکیل شده از کلیه جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله یعنی ۲۹۱/۶۰۶ نفر و افراد بالای ۳۰ سال شهرستان یزد یعنی ۱۵۸/۳۰۰ نفر که اعداد حاصل بر اساس آمار نامه سال ۱۳۸۹

برآورد شده است. شایان ذکر است که کل جمعیت شهرستان در سال ۱۳۸۹؛ ۵۹۵/۱۱۵ نفر بوده است که ۴۹ درصد آن را جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال و ۲۶/۶ درصد نیز ۳۰ ساله و بالاتر بوده‌اند.

تعیین حجم نمونه

بر اساس جمعیت جامعه آماری و مشخص بودن تعداد با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه محاسبه شده است.

حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران

$$n = \frac{\frac{t^2 pq}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left\{ \frac{t^2 pq}{d^2} \square 1 \right\}}$$

با توجه به فرمول فوق حجم نمونه در سطح اطمینان ۹۵٪ و با میزان دقت ۵٪ و همچنین $(N=449906)$ و $(t=1/98 = 2)$ و $(p$ و $q=0/5)$ برابر است با $(n=399)$ که رند یا گرد شده‌ی آن ۴۰۰ نفر می‌شود؛ لذا برای انجام تحقیق چون حالت مقایسه‌ای دارد از دو گروه جوانان و والدین آن‌ها که معمولاً در دو گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال و ۳۰ سال و بالاتر قرار دارند؛ لذا از گروه جوانان ۲۰۰ نفر و به همین میزان نیز از والدین آن‌ها به عنوان حجم نمونه تعیین گردیده است.

روش نمونه‌گیری

نمونه‌گیری یعنی انتخاب نمونه‌ای از افراد جامعه و جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از آن‌ها است. شک نیست که در این شیوه با توجه به این که داده‌ها از همه افراد جامعه گردآوری نمی‌شود، ممکن است در نتیجه نهایی اشتباه رخ دهد. از این رو در نمونه‌گیری با دو سؤال روبه‌رو هستیم:

۱. اشتباه مجاز چقدر است؟

۲. مناسب‌ترین روش انتخاب نمونه چه باید باشد؟ (سرمد، ۱۳۸۳: ۱۷۸).

بنابراین بر اساس ویژگی‌های جامعه آماری و نیز مشخص بودن جمعیت جامعه آماری و این که تحقیق در بین جوانان و والدین آن‌ها در سطح شهرستان یزد انجام خواهد شد از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مرحله‌ای استفاده شده است که شهرستان یزد با توجه به پراکندگی جمعیتی به نقاط روستایی و شهری تقسیم و سپس از هر نقطه نمونه‌ها به صورت گروهی تعیین و از هر گروه مجدداً نمونه‌گیری تصادفی به عمل آمده است.

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

تعریف مفاهیم

نسل: فرهنگ و بستر، نسل را عبارت از میانگین فاصله سنی بین تولد والدین و فرزندان، تعریف می‌کند. در جامعه شناسی، قایل شدن معنایی روشن برای نسل دشواری‌هایی ایجاد می‌کند و علمای علوم اجتماعی، به طور سنتی معانی متعددی از نسل ارائه کرده‌اند، اما هنوز وفاق کافی در مورد معنای نسل وجود ندارد. شاید دست نیافتن به بنیان نظری واحد در این حوزه، یکی از عوامل اصلی نداشتن توافق در مورد معنای آن باشد. به رغم ابهامی که به تصور درآوردن نسل را برای جامعه شناسان دشوار می‌کند، این مفهوم نقش مهمی در جامعه شناسی، به ویژه جامعه شناسی سیاسی، که رفتار سیاسی را با نسل مرتبط می‌داند، ایفا کرده است. در جمعیت شناسی نیز، نسل به گروهی از افراد اطلاق می‌شود که مرحله‌ای از حیات را با یکدیگر آغاز کرده یا پایان داده باشند. گروهی که در یک زمان فارغ‌التحصیل می‌شوند یا گروهی که در زمانی بالنسبه نزدیک به دنیا آمده یا ازدواج کرده‌اند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۰۷).

شکاف نسلی: به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری ما بین دو نسل با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است. فرزندان در مقایسه با افراد پیر و میان سال با وجود این که در یک فضای فرهنگی زندگی می‌کنند اطلاعات، گرایش‌ها و رفتارهای متفاوت دارند. شکاف نسلی هنگامی محقق می‌شود که واحدهای نسلی شکل بگیرد. کارل مانهایم نیروی جدیدی را که دارای موقعیت‌های جدید و تجربیات متفاوت باشد زمینه ساز شکل‌گیری واحدهای نسلی می‌داند (آزاد ارمکی، غفاری، ۱۳۸۳: ۲۱).

دین: دین در لغت به معنای جزا، اطاعت، ملک، قرض و... آمده است (مصطفوی، ۱۳۷۴: ۲۶۹-۲۶۸). قید و بند، التزام، تعهد، تکریم، تقدس و شریعت، مذهب، ورع و پاداش (عمید، ۱۳۶۹: ۶۷۳). انقیاد، خضوع، پیروی، تسلیم و جزاست (جوادی آملی، ۱۳۷۳: ۹۳)؛ و در اصطلاح، عبارت است از: اعتقاد به قوای لاهوتی و ماوراء الطبیعی و رعایت سلسله قواعد اخلاقی حقوقی و سیاسی اقتصادی و اجتماعی در زمینه ارتباط با خود، سایر بندگان و خدا و انجام مناسک عبادی در جهت کسب تقرب خالق و جلب رضایت او به منظور تعالی روح. دینداری به معنای التزام عملی و ذهنی به باورهای دینی است. به عبارت دیگر پیروی پیروان دین از آن و از زیر مجموعه‌های آن است.

بنیادهای دینی: متشکل از باورها و اعتقاداتی که شالوده هر مکتب دینی را می‌سازد و هیچ‌گاه تغییر نیافته و مقتضیات زمانی و مکانی تحوّل در اساس آنها نمی‌توانند به وجود آورند مثل اعتقاد به یگانگی پروردگار (تنهایی، ۱۳۸۳: ۵۹۶).

نظام ارزشی: مراد از نظام ارزشی مجموعه ارزش‌های مرتبط بهم می‌باشد که رفتار و کارهای فرد را نظم می‌بخشد و غالباً بدون آگاهی او شکل می‌گیرد به عبارت دیگر نظام ارزشی مجموعه‌ای از ارزش‌هایی است که فرد یا جامعه بدان پای بند هستند و بر رفتار آنها، بدون آگاهی‌شان مؤثر است (خلیفه، ۱۳۷۸: ۶۷).

ارزش: هنجارهای یک جامعه در نهایت تجلی ارزش‌های آن جامعه است. یعنی عقاید مشترک اجتماعی درباره‌ی آنچه که خوب، درست و مطلوب است. مانند احترام به بزرگ‌تر (رابرتسون، ۱۳۷۴: ۶۴-۶۰).

در فرهنگ فارسی معین ارزش چنین تعریف شده است:

۱- بهاء، ارز، قیمت، ارج.

۲- قدر، برزندگی، شایستگی، قابلیت استحقاق.

۳- اعتبار یک سند یا متاع که در سند نوشته شده است.

تضاد ارزش‌ها: یکی از مراحل فرآیند تغییر ارزش‌هاست بدین معنی که وقتی در جامعه‌ای یک نظام ارزشی وجود دارد و جامعه در حالت تعادل نسبی به سر می‌برد سپس نظام ارزشی دیگر و متضاد وارد می‌شود این دو نظام ارزشی در تضاد هستند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۱۶).

نگرش (گرایش) دینی: آمادگی‌های ویژه افراد از نظر روانی در رویارویی با پدیده‌ها، مسائل و وقایع مربوط به دین می‌باشد نگرش مذهبی، نگرش نظام‌واره‌ای از باورها و اعمال نسبت به امور مقدّس است و گرایشی است که معطوف به امر قدّسی در دو بعد دین‌آشنایی و دین‌باوری می‌باشد (آرون، ۱۳۷۷: ۱۲۹). باورهای دینی: اعتقادی است که فرد یا گروهی در مورد موضوعات دینی دارد. که این اعتقاد بر قضاوت‌های ارزشی یا استدلال و دلایل منطقی متکی می‌باشد.

تجربه دینی: تجربه‌ای است که فرد تجربه‌گر معتقد می‌باشد تبیین‌های طبیعی برای توضیح آن کافی نیستند و لاجرم باید تبیین قانع‌کننده آن به موجودی مافوق طبیعی قائل شود که علت آن تجربه است (نراقی، ۱۳۷۲: ۱۲-۱۱).

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

رفتار دینی: به کلیه رفتارهایی که بر مبنای اعتقاد به خداوند، ماوراءالطبیعه، امور قدسی و... انجام گیرد و مستلزم انجام مناسک و شعائر خاص است، رفتارهای دینی گفته می‌شود. سنت: آلن بیرو در فرهنگ علوم اجتماعی در تعریف سنت می‌نویسد: سنت انتقال درست سلوک و رفتار جمعی است که موجبات بقای گروه را فراهم می‌سازد هم چنین شیوه زندگی و مخصوصاً روش‌ها و فنونی نیز که امکان موفقیت در محیطی خاص را فراهم ساخته‌اند از طریق سنت‌ها به نسل‌های بعد انتقال می‌یابند لیکن تجربه گروه تنها محدود به موفقیت‌های مادی آن نیست بلکه سنت انتقال تجربه اجتماعی و معنوی گروه و هم چنین مجموع آداب و رسوم، باورها، ارزش‌ها و آرمان‌های غالب را نیز موجب می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵: ۴۳۲).

مدرنیته: شاید هیچ مفهومی به اندازه مدرنیته چند پهلو و مبهم نباشد زیرا گاهی به عنوان یک ساختار اجتماعی فرهنگی یا به عبارتی واقعیتی تاریخی مطرح شده و گاهی به مثابه حالت یا رویکرد فلسفی یا جهان بینی تازه‌ای مطرح می‌شود (احمدی، ۱۳۷۷: ۲۳). مدرنیته به عنوان یک مفهوم ادبی-زیبا شناختی در بحث‌های مرتبط با موضوع آن به عنوان طبیعت جدید، روان، پویا و متغییر جامعه جدید شکل گرفته است.

تبیین داده‌ها از طریق آزمون فرضیات

فرضیه اول: بین میزان گرایش به ارزش‌های دینی در جوانان شهر یزد و والدین آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۹: محاسبات آماری آزمون فرضیه اول (T-test).

متغیر	گروه سنی	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
میزان گرایش به ارزش‌های دینی	جوانان	۳۱/۸۷	۶/۰۹۷	۹/۹۷۳	۳۹۸	۰/۰۰۰
	بزرگسالان	۳۹/۲۲	۸/۴۵۱	۹/۹۸۹	۳۳۲/۹۶۸	۰/۰۰۰

با توجه به محاسبات انجام شده و نتایج حاصل از آزمون فرضیه نشان می‌دهد که؛ مقدار T (۹/۹۷۳) برای جوانان و (۹/۹۸۹) برای بزرگسالان می‌باشد که در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار می‌باشد و از T جدول (۱/۷۵۶) بزرگ‌تر می‌باشد یعنی رابطه بین متغیر گروه سنی و میزان گرایش به ارزش‌های دینی

کاملاً معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد و می‌توان گفت که بین جوانان و بزرگسالان در میزان گرایش به ارزش‌های دینی تفاوت معناداری وجود دارد؛ و به عبارتی در میزان گرایش به ارزش‌های دینی در بین بزرگسالان بیشتر جوانان است. فرضیه دوم: بین میزان گریز از ارزش‌های دینی در جوانان شهر یزد و والدین آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۰: محاسبات آماری آزمون فرضیه دوم (T-test).

متغیر.	گروه سنی.	میانگین.	انحراف استاندارد.	آزمون t	درجه آزادی.	سطح معنی‌داری.
میزان گریز از ارزش‌های دینی.	بزرگسالان.	۶۱/۴۲	۱۳/۷۳۵	۱/۹۹۹	۳۹۳/۴۷۲	۰/۰۰۰
میزان گریز از ارزش‌های دینی.	جوانان.	۵۸/۵۳	۱۵/۱۴۳	۲/۰۰۰	۳۹۸	۰/۰۰۰

با توجه به محاسبات انجام شده و نتایج حاصل از آزمون فرضیه نشان می‌دهد که؛ مقدار T (۲/۰۰۰) برای جوانان و (۱/۹۹۹) برای بزرگسالان می‌باشد که در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار می‌باشد و از T جدول (۱/۷۵۶) بزرگ‌تر می‌باشد یعنی رابطه بین متغیر گروه سنی و میزان گریز از ارزش‌های دینی کاملاً معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد و می‌توان گفت که بین جوانان و بزرگسالان در میزان گریز از ارزش‌های دینی تفاوت معناداری وجود دارد؛ و به عبارتی در میزان گریز از ارزش‌های دینی در جوانان بیش‌تر از بزرگسالان است.

فرضیه سوم: بین تحصیلات و جهت‌گیری‌های مذهبی در دو گروه از جوانان شهر یزد و والدین آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۱: محاسبات آماری آزمون فرضیه سوم (T-test).

متغیر.	تحصیلات.	میانگین.	انحراف استاندارد.	آزمون t	درجه آزادی.	سطح معنی‌داری.
میزان گرایش به ارزش‌های دینی.	تحصیلات.	۳۵/۵۷	۸/۲۳۴	۷۵/۷۵۹	۳۹۹	۰/۰۰۰
میزان گرایش به ارزش‌های دینی.	تحصیلات.	۴/۱۰	۱/۶۲۹	۷۵/۷۵۹	۳۹۹	۰/۰۰۰

با توجه به محاسبات انجام شده و نتایج حاصل از آزمون فرضیه نشان می‌دهد که؛ مقدار T (۷۵/۷۵۹) می‌باشد که در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار می‌باشد و از T جدول (۱/۷۵۶) بزرگ‌تر می‌باشد یعنی رابطه بین متغیر تحصیلات و میزان گرایش به ارزش‌های دینی کاملاً معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد و می‌توان گفت که بین تحصیلات جوانان و بزرگسالان در میزان گرایش

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

به ارزش‌های دینی تفاوت معناداری وجود دارد؛ و به عبارتی در میزان گرایش به ارزش‌های دینی در بین افراد تحصیل کرده بیش‌تر است.

فرضیه چهارم: بین پایگاه اجتماعی و جهت‌گیری‌های مذهبی در دو گروه از جوانان شهر یزد و والدین آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱۲: محاسبات آماری آزمون فرضیه چهارم (T-test).

متغیر.	پایگاه اجتماعی.	میانگین.	انحراف استاندارد.	آزمون t	درجه آزادی.	سطح معنی‌داری.
میزان گرایش به ارزش‌های دینی.	پایگاه اجتماعی.	۱/۹۶	۱/۶۲۹	۸۲/۰۶۹	۳۹۹	۰/۰۰۰
		۳۵/۵۷	۸/۲۳۴			
متغیر.	پایگاه اجتماعی.	میانگین.	انحراف استاندارد.	آزمون t	درجه آزادی.	سطح معنی‌داری.
میزان گریز از ارزش‌های دینی.	پایگاه اجتماعی.	۴/۱۰	۱/۶۲۹	۸۰/۴۳۰	۳۹۹	۰/۰۰۰
		۵۹/۹۸	۱۴/۵۷			

با توجه به محاسبات انجام شده و نتایج حاصل از آزمون فرضیه نشان می‌دهد که؛ مقدار T (۸۰/۴۳۰) می‌باشد که در سطح $P < ۰/۰۱$ معنادار می‌باشد و از T جدول (۱/۷۵۶) بزرگ‌تر می‌باشد یعنی رابطه بین متغیر پایگاه اجتماعی و میزان گرایش به ارزش‌های دینی کاملاً معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه تحقیق مورد تأیید قرار می‌گیرد و می‌توان گفت که بین پایگاه اجتماعی جوانان و بزرگسالان در میزان گرایش به ارزش‌های دینی تفاوت معناداری وجود دارد؛ و به عبارتی در میزان گرایش به ارزش‌های دینی در بین افراد با پایگاه اجتماعی پایین‌تر بیشتر است.

نتیجه‌گیری

نتایج فوق، تفاوت میان نگرش به میزان مذهبی بودن افراد و تلقی دو نسل از آینده مذهب را تشریح می‌کنند. بر اساس نتایج فرضیات فوق چند موضوع شایان توجه است؛ تفاوت معناداری میان تلقی دو نسل از آینده مذهب در جامعه وجود دارد.

به عبارت دیگر، نسل جوان و نسل بزرگسال به لحاظ نگرش به ارزش‌ها و سنت‌های مذهبی اتفاق نظر ندارند و ایده‌های متفاوتی دارند. اگرچه وجود تفاوت معنادار با احتمالی در حدود ۹۴ درصد قابل تأیید

است. میانگین‌های دو نسل در رابطه با نگرش به آینده دین نشان از آن دارد که، نسل جوان نگرشی تقریباً مثبت نسبت به آینده دین دارد. در حالی که، نسل بزرگسال نگرش منفی نسبت به آینده دین دارد. به عبارتی، اگر بر مبنای پاسخ‌های پرسش‌مطلب فوق تشریح شود، می‌باید عنوان نمود که نسل بزرگسال آینده مذهب را تاریک می‌بیند در حالی که، نسل جوان آینده آن را روشن می‌یابد.

از جمله تفاسیری که می‌توان در این باب عنوان نمود، اینکه تفاوت در جامعه‌پذیری و میزان مذهبی بودن نسل‌هاست که موجب ایجاد چنین تفاوتی در نگرش‌ها به ارزش‌ها و باورهای دینی شده است. از آنجا که، نسل بزرگسال به لحاظ دینداری از رتبه بالاتری برخوردار است و نیز در وضعیت کاملاً سنتی و مذهبی جامعه پذیر شده است، انتظار بیشتری از میزان مذهبی بودن افراد در جامعه حاضر دارد و به این دلیل که این انتظار چندان با واقعیت منطبق نیست، از این رو، نگاهی منفی به آینده مذهب در جامعه دارد. در مقابل، از آنجا که نسل جوان در جامعه نوتر و با افکار متنوع‌تر جامعه پذیر گشته و خود نیز به لحاظ دینداری در میزان تقریباً پایینی قرار دارد، از این رو، انتظار او از آینده گرایش به دین چندان منفی نبوده است و آینده آن را تقریباً روشن تلقی می‌کند.

به عبارت دیگر، می‌توان دو مورد از عوامل اصلی ایجاد این تفاوت معنادار در نگرش به آینده را به گونه جامعه‌پذیری نسل‌ها و میزان انطباق ایده و واقعیت آن‌ها مرتبط نمود. تفاوت میانگین‌های دو نسل به لحاظ تلقی از مذهبی بودن افراد در آینده معنادار نیست و این نشان از قرابت نگرشی در این زمینه دارد. اگرچه باید گفت هر دو نسل بر غیرمذهبی‌تر شدن افراد در آینده تأکید دارند، اما این تأکید تا حدودی در نسل بزرگسال بیش‌تر است و این میزان تفاوت آن‌چنان قوی نیست که موجب تفاوت معنادار میان تلقی این دو از آینده شود.

دینداری سنتی که متضمن پایبندی افراد به تمام ابعاد دینداری است، در بین هر دو نسل و به ویژه نسل جوان رو به سستی است و با توجه به شرایط ایجاد شده، پایبندی به برخی از ابعاد دینداری زیاد و به برخی دیگر کم می‌باشد. دینداری کلی در میان دو نسل با ترکیب تمام ابعاد و متغیرها بیش‌تر به سمت متوسط رو به بالا میل می‌کند در بعد اعتقادی که جنبه خصوصی‌تری دارد، نمره دین‌داری بالاست.

پس باید گفت: در عرصه خصوصی و فردی هم چنان که برگر بیان می‌کند، دین حضور پررنگی دارد و نمی‌توان گفت سکولاریسم اتفاق افتاده و یا در حال اتفاق افتادن است. برگر بر آن است که جهان معاصر، جهانی سکولار نیست، بلکه آکنده از احساسات مذهبی است. علت آن این است که، انسان‌ها

مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

قاطع نبودن در زندگی به رایشان غیر قابل تحمل می‌باشد (برگر، ۱۳۸۰: ۲۶). نمرات دینداری نسل جوان در تکالیف و عبادت جمعی و فردی یا به عبارت دقیق‌تر، در بعد مناسکی پایین می‌باشد این در حالی است که، این بعد در میان نسل بزرگسال بسیار بیش‌تر است این وجه، یکی از غالب‌ترین وجوه تفاوت میان دو نسل در میزان دین داری بوده است.

در مجموع، در رابطه با وضعیت دو نسل اگرچه می‌توان از تفاوت معنادار میان نسل‌ها سخن گفت، اما بی‌تردید شدت تفاوت به آن حد نیست که بتوان از گسست دینی یا مذهبی یا حتی شکاف مذهبی سخن گفت. به عبارت دیگر، تفسیر دقیق‌تر یافته‌های فوق در رابطه با ارتباطات نسلی را می‌توان بهتر از هر واژه‌ای با اصطلاح «فاصله نسلی» بیان داشت.

پیشنهاد

یکی از علل اساسی تفاوت در بین نسل‌ها، نحوه تربیت و اجتماعی شدن فرزندان است. خانواده، مدرسه، هم سالان، مراکز آموزشی و وسایل ارتباط جمعی از منابع اصلی پرورش افراد در جامعه است در این میان خانواده نقش مهم‌تری را بر عهده دارد. والدین لازم است که سعی کنند به مراکز مشاوره مراجعه کرده و به بهره‌مندی از راهنمایی‌های آن‌ها، ارتباط بهتری با فرزندان داشته باشند. والدین همچنین با شرکت در کلاس‌های آموزشی و فراگیری علم سعی کنند خود را به فرزندان نزدیک‌تر کنند. مسؤولین هم ضرورت دارد توسط وسایل ارتباط جمعی و مراکز آموزشی سعی در ترویج صحیح ارزش‌ها و باورهای دینی نمایند و مراکز آموزشی هم با اجرای برنامه‌هایی سعی کنند ارزش‌ها و باورهای دینی بین والدین و فرزندان را به هم نزدیک‌تر کنند. ما لازم است که در همه حوزه‌ها و نهادهای اولیه انقلاب یک بازنگری کنیم و خود را با راه‌ها و آملی تطبیق دهیم که برای رسیدن به آن‌ها از جان هم مایه بگذاریم.

اکنون در جامعه ما، شکاف و تمایز بین ایده‌آل‌ها و واقعیات در نزد نسل جدید، حقیقتی انکارناپذیر است، همان‌گونه که در نسل گذشته حقیقت داشته است و علل بازآفرینی مداوم آن چیزی نیست، به جز این که در جامعه ما الگوهای تربیتی و جامعه‌پذیری در تمامی عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیاز به تجدیدنظر جدی و فوری دارد، تا دستاوردهای چندین و چند نسل را، نه به گونه‌ای

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال دهم، شماره سی و هشتم، پاییز ۱۳۹۲

تجویزی و بی‌چون و چرا، بلکه با مشارکت به نسل بعد انتقال دهد و به نسل جدید اجازه دهد تا خود تجربه، تعامل و لمس کند و آن‌گاه بیندیشد، برگزیند و پی ببرد.



مطالعه مقایسه‌ای تحولات ارزش‌ها و باورهای دینی بین نسل امروز و گذشته در شهرستان یزد

منابع

- آرون، ر. ۱۳۷۷. مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی. ترجمه باقر پرهام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. چاپ چهارم.
- آزاد ارمکی، ت. ۱۳۸۳. رابطه بین نسلی در خانواده ایرانی. مسائل اجتماعی ایران. انجمن جامعه‌شناسی ایران. تهران: نشر آگه.
- آزاد ارمکی، ت. ۱۳۸۰. شکاف بین نسلی در ایران. انجمن جامعه‌شناسی ایران. نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران. شماره ۴.
- آزاد ارمکی، ت. غفاری، غ. ۱۳۸۳. جامعه‌شناسی نسلی در ایران. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- احمدی، ب. ۱۳۷۷. معمای مدرنیته. تهران: نشر مرکز.
- بتیس، د، بلاک‌فرد. ۱۳۷۵. انسان‌شناسی فرهنگی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- برگر، پیترا. ۱۳۸۰. افول سکولاریسم. ترجمه افشار امیری. تهران: نشر پنگان.
- بزرگیان، امین. ۱۳۷۲. دین، معنویت و انسان مدرن. ماهنامه آفتاب. شماره ۱۷.
- بیرو، آ. ۱۳۷۵. فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی. تهران: انتشارات کیهان. چاپ سوم.
- پازوکی‌نژاد، ز. علیجان‌زاده، م. ۱۳۸۴. تضاد ارزشی بین مادران و دختران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.
- توسلی، غ. ۱۳۸۰. جامعه‌شناسی شهری. تهران: نشر علم.
- تنهایی، ح. ا. درآمدی بر مکاتب جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات مردنیز. چاپ پنجم: ۱۳۸۳.
- توکل، م. قاضی‌نژاد، م. ۱۳۸۵. شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی. نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۷.
- جوادی آملی، ع ۱۳۷۳. دین‌شناسی. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خلیفه، ع. ۱۳۷۸. بررسی روان‌شناختی تحول ارزش‌ها. ترجمه سید حسین سیدی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی. چاپ اول.

- رابرتسون، ی. ۱۳۷۴. درآمدی بر جامعه (با تاکید بر نظریه‌های کارکردگرایی، ستیز و کنش متقابل نمادی). ترجمه حسین بهروان. مشهد: نشر آستان قدس رضوی. چاپ دوم.
- ساروخانی، ب. ۱۳۷۰. درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان.
- سرمد، ز. دیگران. ۱۳۸۳. روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: انتشارات آگاه. چاپ نهم.
- شجاعی‌زند، ع. ۱۳۷۶. مشروعیت دینی دولت اقتدار سیاسی دین. تهران: انتشارات موسسه فرهنگی تبیان. چاپ اول:
- عمید، ح. ۱۳۶۹. فرهنگ عمید. تهران: نشر امیر کبیر.
- کینگ، س. ۱۳۵۵. جامعه‌شناسی. ترجمه مشفق همدانی. تهران: انتشارات سیمرغ.
- مصطفوی، سید ح. ۱۳۷۴. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. جلد سوم.
- معیدفر، س. ۱۳۸۳. شکاف نسلی یا گسست فرهنگی. بررسی شکاف نسلی در ایران. نامه علوم اجتماعی. شماره ۲۴.
- مهدی‌زاده، سید م. ۱۳۸۰. نظریه‌های ارتباطات جمعی. تهران: انتشارات کیهان.
- نبوی، سید ح. ۱۳۸۰. احساس شکاف نسلی. بررسی شواهد پیوستگی و گسستگی نسلی بر روی شهروندان تهرانی.
- نراقی، ا. ۱۳۷۲. منطق احیای اندیشه دینی. کیان. شماره ۱۷. سال سوم. بهمن و اسفند.
- Hunsberger, B (۱۹۸۵), Parent -university student agreement on religious and nonreligious issues. Journal for the Scientific Study of Religion, ۲۴, ۳۱۴-۳۲۰.
- Maccoby, Eleanor E (۱۹۹۲), The role of parents in the socialization of children: An historical overview, Developmental Psychology, ۲۸(۶), ۱۰۰۶-۱۰۱۷.